



## مطالعه دژشهر سمیران در دوران اسلامی بر اساس متون تاریخی و گونه‌شناسی سفال

علیرضا رستمی<sup>۱</sup>، امیر هاشم‌پور مافی<sup>۲</sup>، فرزاد مافی<sup>۳</sup>

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

۲ استادیار، گروه باستان‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. نویسنده مسئول: hashempoormafi.amir@gmail.com

۳ استادیار، گروه باستان‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

| چکیده                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | اطلاعات مقاله:                                                                                                                                                            |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| دژشهر سمیران، شامل بقایای یک قلعه و شماری از مقابر و مکان‌های پراکنده واقع بر تپه‌های اطراف آن است که در حاشیه رودخانه قزل‌اوزن، در بخش طارم سفلی واقع شده است. پس از ساخت و آبیگری سد منجیل در اوایل دهه چهارم شمسی، دسترسی به این مجموعه مختل و در زمرة محوطه‌های باستانی در معرض خطر تخریب قرار گرفت. پژوهش حاضر به شیوة تحلیلی، بر اساس داده‌های بررسی میدانی، همچنین اطلاعات متون تاریخی به انجام رسیده است. هدف از این پژوهش که پرسش‌های مطرح شده نیز در همین راستا قرار دارد، شناسایی دوره‌های استقرار دژشهر سمیران پس از اسلام، بر اساس مواد فرهنگی باستان‌شناختی، عموماً گونه‌شناسی قطعات سفال و مقایسه نتایج حاصله با اطلاعات متون تاریخی پیرامون دوره یا دوره‌های حیات این شهر است. برای دستیابی به هدف این پژوهش، ضمن پیمایش سطح محوطه، سفال‌های ۱۸ منطقه مختلف در مجموعه دژشهر سمیران گردآوری، طراحی و عکاسی شده و بر اساس نوع و ویژگی‌های سفال، قطعات مذکور تقسیم‌بندی و گاهنگاری شده است. بر این اساس، شاخص‌ترین انواع سفال‌های مجموعه سمیران عبارتند از سفال‌های زرین‌فام، کوباچه، سلاذن، آبی‌وسفید، اسگرافیاتو و سفال با لعاب لاجوردی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سفال‌های مجموعه سمیران عمدتاً مربوط به قرون چهارم تا هشتم دوره اسلامی هستند که از این نظر تاحد زیادی با اطلاعات مندرج در متون دوره اسلامی، درباره دوره شکوفایی و آبادانی دژشهر سمیران مطابقت دارد. بااین‌حال برخلاف اطلاعات مبهم متون تاریخی، شواهد باستان‌شناسی موجود حاکی از تداوم استفاده از بخش مرکزی دژشهر سمیران در عصر تیموری و صفوی است. در مجموع، تلفیق شواهد باستان‌شناسی و تاریخی حکایت از رونق و گسترش دژشهر سمیران در قرون نخستین و میانی دوره اسلامی، بویژه در دوره زمامداری مسافریان، سلجوقیان و ایلخانان مغول دارد. در دوره تیموری و صفوی، باوجود اهمیت دژ سمیران، شهر مذکور از رونق گذشته فاصله گرفته و سپس به تدریج در ورطه اضمحلال و فراموشی افتاده است. | <b>تاریخ‌ها:</b><br>دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷<br>پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶<br><b>واژگان کلیدی:</b><br>دژشهر سمیران<br>طارم<br>مسافریان<br>سفال زرین‌فام<br>کوباچه<br>سلاذن<br>اسگرافیاتو |

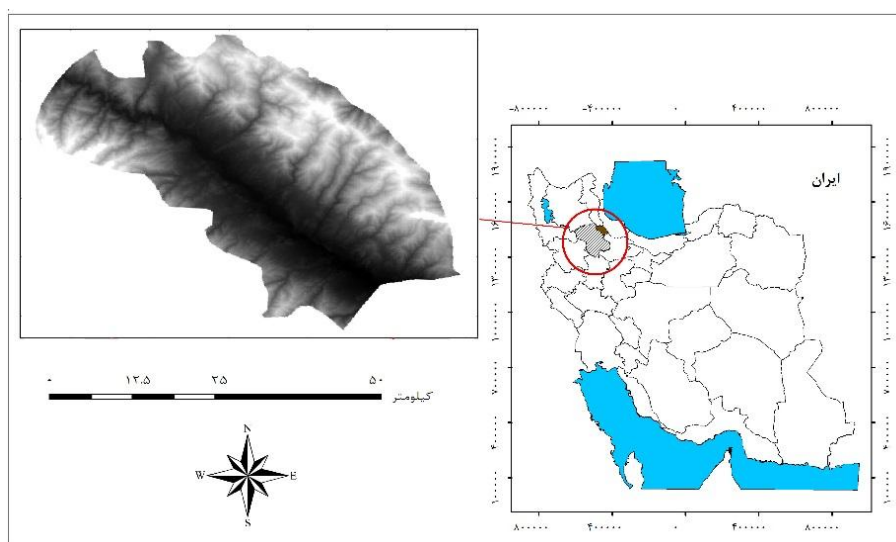
\* استناد: رستمی، علیرضا، هاشم‌پور مافی، امیر، مافی، فرزاد (۱۴۰۴). مطالعه دژشهر سمیران در دوران اسلامی بر اساس متون تاریخی و گونه‌شناسی

سفال. پیام باستان‌شناسی، ۱۷(۳۲)، ۱۶۵-۱۸۰.

## مقدمه

هرچند باتوجه به شواهد تاریخی و باستان‌شناسی دژشهر سمیران، در گذشته بسیار آباد و پررونق بوده است، اما در نتیجه تأثیر عواملی چون گذشت زمان، تأثیرات اقلیمی و دخالت انسان، امروزه از این شهر تاریخی تنها چند اثر معماری پراکنده برجای مانده است. همچنین بخش وسیعی از بقایای باستانی شهر در نتیجه احداث سد منجیل و بالا آمدن آب از بین رفته است. در حال حاضر آثار باقی‌مانده از دژشهر مذکور در مساحتی بالغ بر ۸۰ هکتار پراکنده است که از مهم‌ترین این آثار می‌توان به بنای امامزاده قاسم، قلعه سمیران، دو برج مقبره بزرگ و کوچک، برج سیاه (دیدهبانی)، دو برج مقبره کوچک (مخروبه)، سه بنای گنبدخانه‌ای که به نظر می‌رسد بخش‌های وابسته به امامزاده قاسم می‌باشند و یک بنای موسوم به چهارطاقی که دارای پلانی شبیه به حمام‌های قدیمی بوده (کلج و کشاورز، ۱۳۹۸)، دو محوطه گورستانی، بقایای دیوارهای سنگی، تنپوشه‌های سفالی و معدن لاشه‌سنگ اشاره کرد.

امروز بهترین ابزار در شناخت وضعیت طبیعی - فرهنگی و تحولات باستان‌شناختی جوامع انسانی در دو بستر زمان و مکان، استخراج داده‌ها و اطلاعات از طریق بررسی‌های باستان‌شناختی است (Matthews, 2003). شهرستان طارم که امروزه در دو بخش علیا و سفلی میان استان‌های زنجان و قزوین تقسیم شده است، به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه خود، یکی از مناطق مهم ارتباطی در طول تاریخ بوده است. با این حال به دلیل عدم مستندنگاری دقیق و کاوش‌های باستان‌شناسی در این منطقه، در مقایسه با مناطق فرهنگی اطراف خود، بویژه در حوزه فلات مرکزی و منطقه زاگرس، کمتر شناخته شده است. مجموعه سمیران (شمیران) در حاشیه شمالی رودخانه قزل‌اوزن، در دهستان خندان طارم سفلی از توابع شهرستان قزوین، در مختصات طول جغرافیایی ۳۶ درجه ۵۰ دقیقه ۳۶ ثانیه و عرض جغرافیایی ۴۹ درجه ۳۰ دقیقه ۴۹ ثانیه واقع شده است (شکل ۱).



شکل ۱: محدوده بررسی دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۳)

دفاعی طبیعی عمل می‌کند، امکان دسترسی به این ناحیه را از بخش شمالی و جنوبی محدود نموده است. هدف از انجام این پژوهش تجزیه و تحلیل مدارک باستان‌شناختی (سفال) مرتبط با دژشهر سمیران و مقایسه نتایج حاصل از آن با اطلاعات موجود در متون تاریخی به

براساس نتایج بررسی پیمایشی نگارندگان در سال ۱۳۹۵، گستره شهر مذکور در جهت غربی - شرقی و در راستای رودخانه سفیدرود است که با ساختار زمین ریخت‌شناسی منطقه مطابقت دارد. وجود کوه‌های صعب‌العبور در شمال و جنوب این شهر که مانند یک دیوار

منظور ارزیابی دوره حیات و شکوفایی مجموعه مذکور است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: گونه‌شناسی و گاهنگاری قطعات سفالی گردآوری شده از بررسی باستان‌شناختی دژشهر سمیران، چه اطلاعاتی را درباره حیات دژشهر قدیمی سمیران در اختیار می‌گذارد؟ مقایسه نتایج حاصل از بررسی باستان‌شناختی و تجزیه و تحلیل سفالینه‌های دژشهر سمیران، با اطلاعات تاریخی مندرج در متون تاریخی چه نکاتی را درباره مجموعه سمیران روشن می‌کند؟

با توجه به گستردگی و پراکندگی سفال‌های به‌دست آمده از قرون اولیه اسلامی می‌توان دوره شکوفایی و رونق این ناحیه را قرون ۳ تا ۴ هجری قمری دانست که در قرون بعدی از اهمیت آن کاسته و اعتبار ادوار پیشین خود را نداشته است.

به نظر می‌رسد دژشهر سمیران را می‌توان یک پایگاه نظامی و یک مکان مذهبی در دوران اسلامی دانست. دلیل این ادعا نیز می‌تواند وجود برج مقبره‌های متعدد، گورستان‌های شمالی و جنوبی آن و امامزاده دانست.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی، بر اساس تلفیقی از داده‌های باستان‌شناسی حاصل از بررسی میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای، شامل تجزیه و تحلیل متون تاریخی، به انجام رسیده است، به مطالعه و تجزیه و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی در دژشهر معروف سمیران در شهرستان طارم سفلی اختصاص دارد. در بخش میدانی، مجموعه وسیع سمیران و مسیرهای منتهی به آن به صورت پیمایشی توسط نگارندگان مورد بررسی و مواد فرهنگی به‌دست آمده مطالعه شد. در بخش کتابخانه‌ای، اطلاعات تکمیلی موردنیاز از قبیل منابع مکتوب تاریخی مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت آثار سمیران، در دو قرن گذشته پژوهشگران و باستان‌شناسان بسیاری از این منطقه بازدید و در رابطه آن

مطالبی نگاشته‌اند. در سال ۱۸۳۸ میلادی، سر هنری راولینسون ناحیه مذکور را مورد بررسی قرار داد و گزارشی کوتاه در خصوص ویرانه‌های سمیران در مجله انجمن جغرافیای سلطنتی منتشر کرد (Rawlinson, 1938: 63). هانتزشه، سیاح آلمانی، نیز در سال ۱۸۵۹ میلادی از ویرانه‌های سمیران بازدید نمود، اما به نقل از مینورسکی نتوانست هویت این مکان را تشخیص دهد (نک. ابودلف، ۱۳۴۲: ۱۰۳). پس از آن، یک گروه انگلیسی به سرپرستی پیتر ویلی در سال ۱۹۶۰ میلادی از قلاع منطقه الموت، از جمله دژسمیران بازدید و نتایج تحقیقات خود را در کتابی به نام قلاع حشاشین به چاپ رساند. ویلی معتقد بود که احتمالاً اولین قلعه توسط دیلمیان در اینجا ساخته شده است که بعدها تبدیل به شهر شد (ویلی، ۱۳۷۴: ۱۰۳). پس از آن، ولفرام کلایس که بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۸ میلادی در شمال غرب ایران مشغول بررسی محوطه‌های تاریخی بود، معتقد بود که بقایای معماری موجود در محوطه سمیران به خانقاهی از دوره صفوی مربوط است (Kleiss, 1970: 89). هیلن براند تاریخ و ساخت بناهای این دژشهر را مربوط به دوران میانی اسلامی و حکام محلی این ناحیه می‌داند. براند با توجه به فرم دو برج این دژشهر معتقد است که این دو برج مقبره مربوط به دوره سلجوقی و جز قدیمی‌ترین بناهای آرامگاهی با این فرم در ایران است (Hillenbrand, 1974).

از پژوهشگران ایرانی، احمد کسروی در بازدید از قلعه سمیران، آن را با عنوان "مکان سرد" تعبیر کرده است (کسروی، ۱۳۵۳: ۴۸). عزت‌الله نگهبان این دژشهر را مورد بررسی باستان‌شناسی و معماری قرار داده است (نگهبان، ۱۳۷۶: ۱۲۰). همچنین منوچهر ستوده در کتاب «قلاع اسماعیلیه» بر مبنای منابع مکتوب دوران اسلامی به شرح قلعه سمیران و اهمیت آن پرداخته است (ستوده، ۱۳۶۲: ۴۷-۵۳) و بقراط نادری هم در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی گذرا بر گیلان و آثار تاریخی آن، قلعه شمیران» به بررسی این مکان پرداخته است (نادری، ۱۳۵۹: ۱۸۴-۱۷۶). امیر موافقی و همکاران او هم در یک روش آزمایشگاهی از روش نوترون رادیوگرافی برای

قرن سوم هجری قمری دژ کوهستانی سمیران را به تصرف خویش درآوردند و از آنجا به طارم دست یافتند (بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۹۰).

قدیمی‌ترین اطلاعات تاریخی درباره سمیران، نوشته ابودلف، جغرافیدان عرب در قرون چهارم هجری است که پس از توصیف طارم به عظمت و شکوه سمیران اشاره داشته و نوشته است: «به قلعه پادشاه دیلم که سمیران نام دارد رسیدم. در ساختمان‌های آنجا چیزهایی دیدم که در کاخ‌های پادشاهان هم ندیده بودم. در آنجا دو هزار و هشتصد و پنجاه و چند خانه بزرگ و کوچک وجود دارد» (ابودلف، ۱۳۴۲: ۴۵). اگر بر مبنای نوشته ابودلف، برای هر خانه فقط ۷۰ متر مربع مساحت در نظر بگیریم، مساحت شهر سمیران در قرن چهارم ه. ق دست‌کم حدود ۲۰ هکتار خواهد بود که قابل توجه است. پس از او، ناصر خسرو قبادیانی در سال ۴۳۸ هجری قمری به ناحیه طارم و سمیران سفر کرد و در سفرنامه خود در وصف سمیران و استحکامات آن نوشته است: «از خندان تا شمیران سه فرسنگ بیابانکی است همه سنگ‌لاخ و آن قصبه ولایت طارم است. به کنار شهر قلعه‌ای بلند، بنیادش بر سنگ خاره است. سه دیوار برگرد آن کشیده شده و کاریزی در میان قلعه فروبرده تا کنار رودخانه که از آنجا آب برآورند و به قلعه برند و هزار مرد از مهترزادگان ولایت در آن قلعه هستند تا کسی بیراهی و سرکشی نتواند کرد و گفتند آن امیر را قلعه‌های بسیار در ولایت دیلم باشد و عدل و ایمنی تمام باشد» (ناصر خسرو، ۱۳۹۸: ۸-۹). لازم به ذکر است که در زمان بازدید راولینسون در دهه ۱۸۳۰ میلادی هنوز بقایای دیوارهای دفاعی سه‌گانه دژ سمیران مشهود بود (Rawlinson, 1938). اما در زمان سفر پیترو ویلی در حدود ۶۰ سال پیش فقط بقایای دو دیوار برجای مانده بود (ویلی، ۱۳۷۴: ۱۰۳). در زمان بازدید نگارندگان، در شمال شرق روستای کلج و به فاصله تقریبی ۱۰ کیلومتر از سمیران، بقایای دیواری با مصالح سنگ‌های طبیعی و گلی به طول یک کیلومتر به‌دست‌آمد که احتمالاً متعلق به دیوار سوم قلعه سمیران بوده است که ناصر خسرو بدان اشاره کرده است.

تشخیص نقوش و آسیب‌های یک کوزه قدیمی از سمیران استفاده و نتایج آن را منتشر نموده‌اند (موافقی و دیگران، ۱۳۹۶). اخیراً نیز آرش ضیاءآبادی به بررسی دژ سمیران طارم براساس منابع تاریخی و ارتباط آن با خاندان محلی آل مسافر در قرون چهارم و پنجم هجری پرداخته است (ضیاءآبادی، ۱۴۰۱).

علاوه بر موارد یادشده، تاکنون چند بررسی و کاوش باستان‌شناسی در محدوده دژ سمیران انجام گرفته است، از جمله در سال ۱۳۹۷ شمسی این ناحیه مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفت که به شناسایی محوطه‌های اقماری پیرامون دژشهر انجامید. همچنین در سال ۱۳۹۸ آقای رضایی کلج در محوطه چارطاقی دژشهر دست به گمانه‌زنی زده که تاکنون گزارشی از آن منتشر نشده است. پژوهش حاضر بر اساس شواهد باستان‌شناسی حاصل از بررسی میدانی، به بررسی بازه زمانی رونق و شکوفایی مجموعه سمیران بر اساس ارزیابی قطعات سفالی و مقایسه نتایج حاصله با متون تاریخی اختصاص دارد.

## مطالعه استقرار دوران اسلامی سمیران بر اساس متون تاریخی

تاریخ منطقه طارم با تاریخ گیلان و مازندران گره‌خورده است، زیرا این منطقه درگذشته بخشی از ایالات مازندران و گیلان برشمرده می‌شد. در دوران اسلامی، حکومت آل‌بویه از مهم‌ترین سلسله‌هایی بوده که به مدت یک قرن از ۳۲۰ تا ۴۴۸ هجری قمری بر بخش‌های وسیعی از ارتفاعات گیلان و دیلمان حکمرانی کردند (کرمر، ۱۳۷۵: ۶۸). علاوه‌برآن، در نیمه دوم قرن دوم هجری قمری، خاندان جستان بر دیلمان و گیلان به مرکزیت رودبار و سپس لاهیجان فرمانروایی می‌کردند (عربانی، ۱۳۷۴: ۵۰-۴۹) و قلمرو حکومت آنان حتی طارم و زنجان و ابهر را نیز در بر می‌گرفته است (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴: ۱۳). از اوایل قرن چهارم هجری قمری در بخشی از خاک گیلان و دیلمان خاندان دیگری برخاست که در متون تاریخی به اسامی مختلفی چون مسافریان، گنگریان، لنگریان، سالاریان و سَلاریان نامیده شده است (همان: ۱۳). مسافریان در اواخر

حکمران محلی سمیران به نام قباد توسط سیدعلی کیا حکمران گیلان شکست و دژ تصرف می‌شود. در سال ۸۴۷ ه‍.ق شاهرخ میرزا، پسر تیمور، سلطان محمد را مأمور سرکوب میرحسین طارمی حکمران طارم کرد که در نتیجه بار دیگر قلعه سمیران تصرف شد. سمیران تا اواخر قرن نهم هجری قمری همچنان در نوشته‌های مورخین دیده می‌شود؛ برای مثال «در سنه ۸۹۵ هجری امیر اسحاق فومنی به طمع حکومت طارم و فتح قلعه سمیران افتاد. اهالی قلعه کلید قلعه را تسلیم وی نمودند». اما از این تاریخ به بعد در منابع تاریخی از آن کمتر یاد شده است. در متون تاریخی دوره قاجار اشارات پراکنده‌ای به این مکان شده که عمدتاً از مورخان قرون نخستین و میانی دوره اسلامی نقل قول شده و خود فاقد مطلب تازه‌ای است (فراهانی، ۱۳۶۲: ۳۳).

## مطالعه استقرار دوران اسلامی سمیران بر اساس

### گونه‌شناسی سفال

در بررسی میدانی دژشهر سمیران که توسط نگارندگان به صورت پیمایشی انجام شد، از نقاط مختلف این مجموعه، سفال‌های مربوط به دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی گردآوری شد. در مجموع، ۱۸ منطقه شناسایی شده (شکل ۲) به شرح زیر دارای سفال‌های دوران اسلامی بودند.

### ۱- سفال‌های دژ سمیران

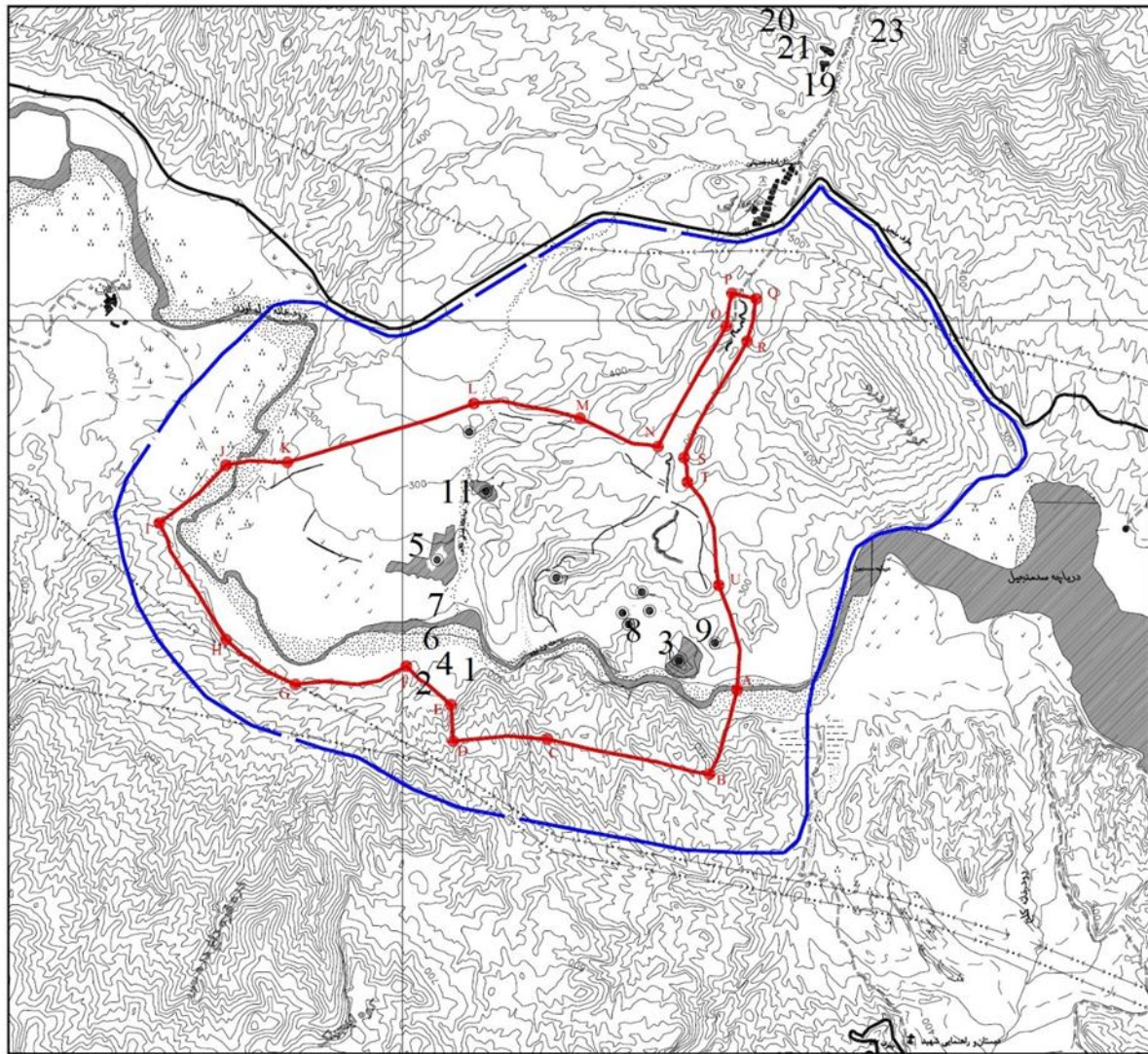
دژ سمیران نقطه ۳ در نقشه شماره ۲ است که بر فراز صخره‌ای مرتفع به ارتفاع حدود ۵۰ متر در بخش شمالی مجموعه قرار دارد. بقایای برجای مانده از دژ نظیر دیوارها، برج‌های مدور و باروها از مصالح مختلف چون سنگ‌های تراش‌خورده، قلوه‌سنگ، آجر، گچ نیم‌کوب و ملات گل ساخته شده و در برخی از دیوارها آثار کاربرد الوارهای چوبی دیده می‌شود. به دلیل موقعیت ویژه قلعه بر روی ارتفاعات، تنها از یک جهت (شمال) امکان نفوذ به این مکان وجود دارد و از سایر نقاط به پرتگاه‌ها یا رود قزل‌اوزن منتهی می‌شود.

علاوه‌برآن، در نوشته‌های مورخین دیگری چون یاقوت حموی (حموی، ۱۳۸۰: ۲۵۶)، حمدالله مستوفی (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۲۷)، سید ظهیرالدین مرعشی (مرعشی، ۱۳۹۵: ۵۲-۴۹) و محمد مهدوی لاهیجی (لاهیجی، ۱۳۹۵: ۸۹-۸۸) از عظمت و بزرگی قلعه سمیران یاد شده است. حموی (قرن هفتم ه‍.ق) و البغدادی (قرن هشتم هجری قمری) در توصیف اسپیدرود (سپیدرود) نوشته‌اند: این رودخانه از سرزمین دیلم سرچشمه می‌گرفته، از زیر دژ معروف به دژ سَلار [- سالار] می‌گذرد که نامش «سمیران» است (حموی، ۱۳۸۰: ج. ۱، ۳۱۶؛ البغدادی، ۱۴۱۲: ج. ۱، ۶۹). همچنین یاقوت حموی در وصف سمیران نوشته است «قلعه استواری است که بر رود بزرگی که بین کوه‌های ولایت طارم جاری است، واقع است. آثار خوبی دارد که نشان می‌دهد از قلعه‌های مهم است. حکمران الموت آن را ویران کرد» (حموی، ۱۹۹۵: ج. ۳، ۳۵۶).

به نقل از عربانی، بعضی از وقایع‌نگاران عهد مغول مدعی شده‌اند که هلاکو بر گیلان مسلط گردید و گیلانیان را ناگزیر ساخت تا استحکامات سمیران، وثیقه استقلال قومی خویش را از میان بردارند، ولی این ادعا درست نیست و مندرجات مأخذ معتبر مؤید نادرستی آن می‌باشد (عربانی، ۱۳۷۴: ج. ۲، ۶۵). حموی نوشته است «محمد مسافر حاکم این قلعه [سمیران]، هرگاه به اثر زیبایی می‌نگریست، درباره سازنده آن می‌پرسید و او را به هر طریقی که بود به سمیران می‌آورد و سپس او را از خروج از قلعه منع می‌کرد. فرزندان رعیت را مجبور می‌کرد که به صنعت بپردازند و بدین ترتیب عایدات او فراوان و مخارجش قلیل بود و ثروت سرشار داشت. تا اینکه فرزندان محمد او را از قلعه بیرون انداختند و صنعتگرانی که شمارشان پنج هزار نفر بود را آزاد کردند» (حموی، ۱۹۹۵: ج. ۳، ۳۵۶).

دژ سمیران پس از زوال خاندان آل مسافر، مدتی تحت نفوذ اسماعیلیه بود و سپس توسط هلاکوخان مغول تسخیر شد. به نقل از مینورسکی در نامه‌ای که به عنوان صاحب بن عباد نوشته شده دژ سمیران با قلعه الموت مقایسه شده است (نک. ابودلف، ۱۳۴۲: ۱۰۳). در سال ۷۶۹ ه‍.ق





شکل ۲: نقشه پراکنش مکان‌های جمع‌آوری سفال اسلامی در دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۳)

تأثیر تجمعاتی این نوع سفال می‌افزاید (آلن، ۱۳۸۳: ۵۰). در مجموع، درکنار ویژگی‌هایی چون کیفیت عالی، زیبایی چشمگیر، نقوش ظریف و پرکار و پیچیدگی‌های فنی ساخت لعاب زرین‌فام، پایگاه طبقاتی کاربری این نوع سفال نسبت به سفال‌های دیگر آشکارتر و مسجل‌تر است (نیک‌خواه و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۹). ظروف کوباچه از دیگر ظروف مهم گروه ۱ در سمیران است که در نوع خود آن نیز، سفال تجملی محسوب می‌شود (Golombek, 1999: 407).

باتوجه به شواهد موجود، از جمله موقعیت پراکنش قطعات، کیفیت ساخت سفال و درصد کم سفال‌های این گروه، به نظر می‌رسد که سفال‌ها استفاده تجمعاتی داشتند و مورد استفاده افرادی با سطح رفاه بالاتر از قبیل اشراف و افراد وابسته به حکومت قرار داشت. به لحاظ سطح فناوری

مجموعه‌ای از سفال‌های شاخص از دژ سمیران به‌دست آمده که برخی از آن‌ها مانند نمونه‌های ۶-۱۱ در جدول ۱، سفال‌های کم‌شمار اما دارای کیفیت مناسب هستند. انواع شاخص به‌دست آمده از این نوع سفال در دژ سمیران عبارتند از سفال‌های نوع زرین‌فام، چینی آبی و سفید، کوباچه و سالادن (جدول ۱). این گروه از سفال‌ها، به‌خصوص ظروف زرین‌فام، بیشتر در بخش مسکونی محوطه، به‌ویژه در نزدیکی بنای مرتفع و قلعه مانند آن به‌دست آمدند که معرف بخش حاکم‌نشین دژشهر سمیران است. ویژگی اصلی سفال زرین‌فام تجملی بودن آن است که اغلب با تزئینات نقاشی بسیار پیچیده‌ای نیز همراه است (Watson, 1985: 19). از ویژگی‌های این نوع سفال به‌کارگیری لعاب طلایی یا ارغوانی رنگ است که خود بر

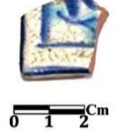
زیر لعاب، نقش برجسته زیر لعاب و سفال آبی و سفید نواری است که به فراوانی در سطح محوطه پراکنده شده است. از دیگر ظروف سفالی این گروه که در بررسی محوطه، نمونه‌هایی از آن به دست آمد، می‌توان به سفال‌های لعاب‌دار خمیره گلی یا طیف نخودی اشاره کرد که بیشتر کاربرد ظروف پذیرایی یا غذاخوری را دارند، مانند انواع سفال‌های دهانه باز لعاب‌دار تک رنگ فیروزه ای، سبز لجنی و نیز سفال‌های چند رنگ اسگرافیاتو، نقاشی زیر لعاب زمینه فیروزه‌ای یا زمینه سفید و ... و نیز سفال‌های بدون لعاب با تزیین قالبی، استامپی و مرصع اشاره کرد.

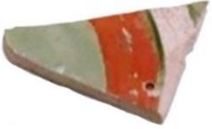
گروه دیگر سفال‌های دژ، ظروف کاربردی هستند که عمدتاً جنبه مصرفی داشتند و از لحاظ سطح فناوری، فاقد فنون پیچیده ساخت و یا تزیینات خاصی بوده و بیشتر و نسبتاً کم‌هزینه بودند (شماره‌های ۱۷-۱۴ در جدول ۱). سفال‌های این گروه دارای بیشترین میزان پراکنش در مجموعه سمیران هستند. از انواع سفال‌های گروه سوم در سطح محوطه سمیران می‌توان به انواع نمونه‌های بدون لعاب ساده یا تزیینی با نقش کنده، فشاری، افزوده و... و نیز برخی سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده یا تزیینی که بیشتر کارکرد ذخیره مواد یا آشپزخانه‌ای داشته‌اند، اشاره کرد.

ساخت و پرداخت این سفال‌ها جزء ظروف مرغوب محسوب می‌شوند که به واسطه مجاورت این ناحیه با مراکز مهم تولید سفال زرین‌فام (کاشان، ری، جرجان، ساوه، گروس)، سفال آبی سفید (منطقه ورامین) (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۷۶-۲۷۴ و ۲۸۳-۲۸۲)، به نظر می‌رسد، این نوع سفال‌ها وارداتی بوده باشد. ظروف سلادن نیز بیشتر از چین وارد ایران می‌شد که البته در مراکزی چون کرمان نیز این نوع سفال به تقلید از نمونه‌های چینی ساخته می‌شد (همان: ۲۸۶). ظروف کوباچه احتمالاً در نواحی شمال‌غربی ایران (آذربایجان) تولید (همان: ۲۸۴) می‌شد و ممکن است از این ناحیه به سمیران وارد شده باشد.

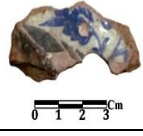
علاوه بر موارد مذکور، مجموعه دیگری از سفال‌های شاخص اما با کیفیت پایین‌تر از بخش دژسمیران به دست آمد (شماره‌های ۱۳-۷ در جدول ۱)، از جمله ظروف سفالی با خمیره فیریتی (phirity) که نمونه‌های آن در طیف‌ها و مدل‌های مختلف در سطح محوطه قابل رویت است. باتوجه به کثرت سفال مذکور و مشاهده قطعات جوش کوره بر سطح محوطه، به احتمال فراوان این نوع سفال در خود محوطه تولید شده‌اند. بطورکلی ظروف خمیره فیریتی در مجموعه سمیران شامل سفال‌های لعاب‌دار تک رنگ ساده یا تزیینی با لعاب شفاف قلیایی، نقش کنده زیر لعاب، نقاشی

جدول ۱: سفال‌های شاخص مجموعه سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۳)

| ردیف | نوع                   | ویژگی                | دوره زمانی     | نمونه تصویر موردی                                                                   |
|------|-----------------------|----------------------|----------------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | زرین فام              | خمیره فیریتی         | قرن ۵ و ۶ هجری |  |
| ۲    | زرین فام<br>لاجوردینه | خمیره فیریتی         | قرن ۶ و ۷ هجری |  |
| ۳    | زرین فام              | دارای کتیبه در حاشیه | قرن ۵ و ۶ هجری |  |

|                                                                                     |                   |                            |                         |    |
|-------------------------------------------------------------------------------------|-------------------|----------------------------|-------------------------|----|
|    | قرن ۹ هجری - صفوی | نقوش برجسته اشکی<br>شکل    | کوباچه                  | ۴  |
|    | قرن ۹ هجری - صفوی | خمیره شبه چینی             | سلادن                   | ۵  |
|    | قرن ۹ هجری - صفوی | خمیره چینی                 | آبی و سفید              | ۶  |
|   | قرن ۴ و ۵ هجری    | خمیره گلی                  | اسگرافیاتو              | ۷  |
|  | قرن ۴ و ۵ هجری    | زمینه روشن با خمیره<br>گلی | اسگرافیاتو              | ۸  |
|  | قرن ۴ و ۵ هجری    | نقش شیاری با خمیره<br>گلی  | اسگرافیاتو              | ۹  |
|  | قرن ۶ و ۷ هجری    | خمیره فیریتی               | نقاشی زیر لعاب          | ۱۰ |
|  | قرن ۶ و ۷ هجری    | خمیره فیریتی               | نقش برجسته زیر<br>لعاب  | ۱۱ |
|  | قرن ۶ و ۷ هجری    | خمیره فیریتی               | نقاشی زیر لعاب          | ۱۲ |
|  | قرن ۶ و ۷ هجری    | خمیره فیریتی               | سفال با لعاب<br>لاجوردی | ۱۳ |

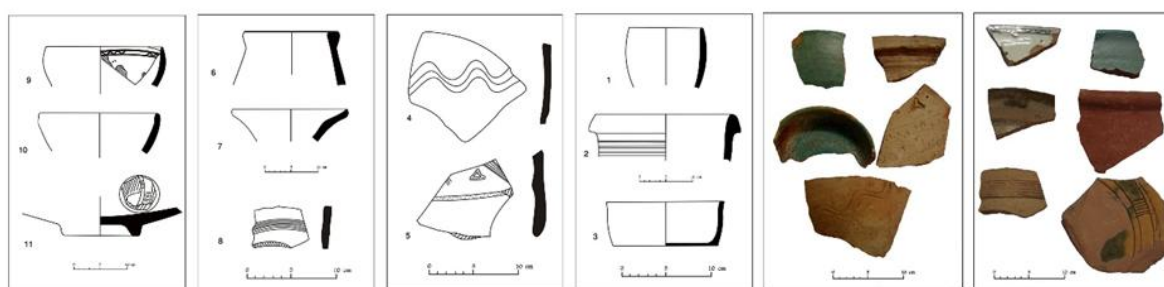


|    |                   |              |         |                                                                                   |
|----|-------------------|--------------|---------|-----------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۴ | سفال ساده         | -            | مختلف   |  |
| ۱۵ | تک‌رنگ فیروزه‌ای  | تمپر گلی     | -       |  |
| ۱۶ | زرین فام          | تمپر شن و گل | -       |  |
| ۱۷ | شبه پیش از تاریخی | -            | قرن ۶-۷ |  |

## ۲. سفال‌های گورستان شمالی

این ناحیه شامل بخش وسیعی از زمین‌های پست و دامنه‌های پر شیب شمال و غرب دژ سمیران است که دربرگیرنده گورهای فراوانی است که با مصالح سنگی، آجری، گچی، خشتی و گِلین ساخته شده‌اند. شکل کلی بسیاری از این گورها مستطیل یا مربع بوده و همگی در راستای شرقی - غربی (در جهت قبله) ایجاد شده‌اند. بر روی اغلب این گورها سنگ‌های تخت بزرگی گذاشته و روی گور را پوشانیده و سپس بر روی این سنگ‌ها یک چهار دیواری

متشکل از سنگ‌های رودخانه‌ای بزرگ و کوچک نامنظم یا سنگ‌های منظم ایجاد کرده و بدین ترتیب یک سازه بر روی گور پدید آورده‌اند. در بخش غربی گورستان شمالی چندین بنای شاخص شامل بنای امامزاده قاسم، چهارطاقی‌ها (مقابر خانوادگی؟)، برج مقبره‌های کوچک و بزرگ قرار دارند. سفال‌های گورستان شمالی، عمدتاً لعاب‌دار دارای انواع تزئین مربوط به دوره‌های میانی اسلامی (سلجوقی و ایلخانی) هستند (شکل ۳).

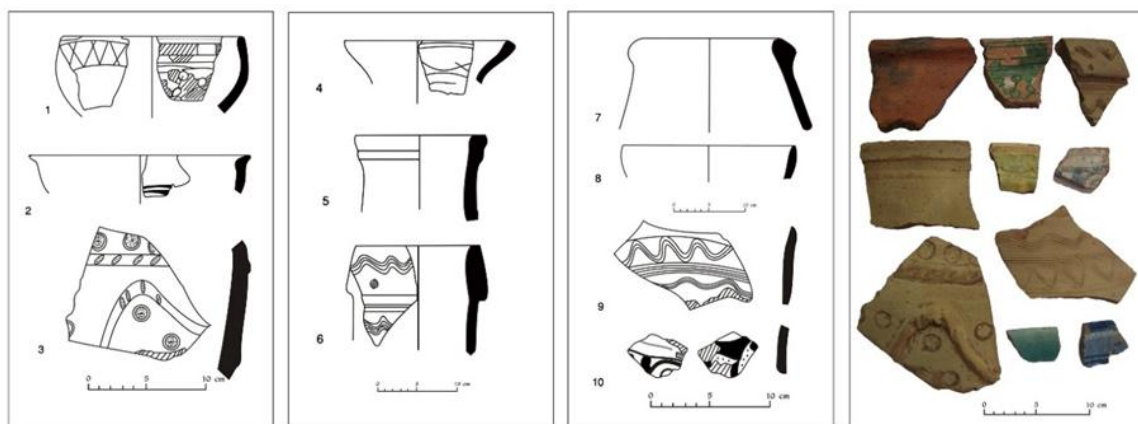


شکل ۳: عکس و طرح سفال‌های گورستان شمالی، دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۱)

## ۳. سفال‌های گورستان گبری

این گورستان در فاصله ۵۰ متری شرق دژسمیران قرار دارد. شکل ظاهری، مصالح به کار رفته در ساخت گورها و مواد فرهنگی درون گورهای این گورستان در تطابق کامل با

گورستان شمالی بوده و این دو گورستان را باید به یک دوره منتسب کرد. سفال‌های گورستان گبری، اغلب از نوع لعاب‌دار دارای انواع تزئین کنده، افزوده، نقاشی زیر لعاب، مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۴).



شکل ۴: عکس و طرح سفال‌های گورستان گبری، دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۱)

#### ۴. سفال‌های حصارهای تدافعی

حصارهای تدافعی شهر تاریخی سمیران به طول چندین کیلومتر در جهات مختلف با استفاده از مصالح سنگی شامل سنگ‌های تراش خورده و غیرتراش خورده و ملاط گِل ساخته شده است. بیشتر بخش‌های دیوارهای دفاعی شهر سمیران در اثر عوامل فرسایشی به تدریج ویران و هم سطح زمین‌های اطراف شده است. سفال‌های حصار تدافعی، لعاب‌دار دارای تزئینات چون نقوش کنده و نقش افزوده، مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۵).

#### ۵. سفال‌های امتداد راه‌های مالرو

این سفال‌ها در امتداد راه‌های مالرو گردآوری شده که روستاهای وخمان، بهرام‌آباد، نمکین و کلج را به سمیران متصل می‌کند. سفال‌های به‌دست آمده از امتداد راه‌های مالرو شمالی، اغلب از نوع لعاب‌دار مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۵).

#### ۶. سفال‌های کانال سفالی آب سمیران

شامل یک شبکه نظام‌مند از لوله‌ها یا تنبوشه‌های سفالی جهت انتقال آب چشمه‌ها و رودخانه وخمان به شهر سمیران است. سفال‌های پیرامون کانال سفالی سمیران، از نوع لعاب‌دار مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۵).

#### ۷. سفال‌های منطقه شماره ۱

مکان مذکور در تپه ماهورهای غرب دره سمیران واقع است و شامل سازه سنگی مخروبه و برج ماندی با پلان مدور به قطر حدود ۴ متر است. سفال‌های گورستان مکان شماره ۱، از نوع لعاب‌دار فاقد تزئین یا دارای تزئین کنده و افزوده مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۶).

#### ۸. سفال‌های منطقه شماره ۲

شامل مکانی با هویت نامشخص، به ابعاد ۶۵×۵۰ متر است که در فاصله ۳۵۰ متری غرب برج مقبره بزرگ در میان تپه ماهورهای غرب سمیران قرار دارد. سفال‌های مکان شماره ۲، از نوع لعاب‌دار، ساده یا دارای تزئین کنده مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۶).

#### ۹. سفال‌های منطقه شماره ۴

شامل یقایی یک سازه سنگی - آجری تخریب شده (احتمالاً پل) است که در منتهی‌الیه غرب دره سمیران در حاشیه رود قزل‌اوزن قرار دارد. از این مکان یک قطعه سفال لعاب‌دار با تزئین نقش کنده مربوط به دوره سلجوقی جمع‌آوری شد (شکل ۶).

#### ۱۰. سفال‌های منطقه شماره ۵

شامل گورستانی اسلامی در شرق رودخانه بهرام‌آباد است که از هر نظر قابل مقایسه با گورستان گبری و شمالی دره سمیران است. سفال‌های مکان شماره ۵، از نوع لعاب‌دار

بهرام‌آباد استفاده شده است. از محدوده کانال سفالی بهرام‌آباد، یک قطعه سفال لعاب‌دار ساده مربوط به دوره سلجوقی جمع‌آوری شد (شکل ۸).

ساده یا دارای تزئین نقش کنده مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۷).

### ۱۱. سفال‌های منطقه شماره ۶

این مکان شامل بقایای یک کارگاه آجریزی به ابعاد  $30 \times 50$  متر در ساحل شرقی رودخانه بهرام‌آباد است. سفال‌های مکان شماره ۶، از نوع لعاب‌دار ساده مربوط به دوره سلجوقی هستند (شکل ۷).

### ۱۲. سفال‌های منطقه شماره ۷

شامل یک محوطه باستانی با بقایای فضاهای معماری واقع در ساحل غربی رود بهرام‌آباد است. سفال‌های مکان شماره ۷، از نوع لعاب‌دار ساده یا دارای تزئین نقش کنده مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند (شکل ۷).

### ۱۳. سفال‌های منطقه شماره ۱۱

شامل یک سازه هشت ضلعی مخروطی به ابعاد هر ضلع ۲ متر از مصالح سنگ‌های تراش خورده، آجر و ملات گچ نیم‌کوب است که در فاصله ۲۰۰ متری غرب رودخانه بهرام‌آباد بر روی تپه‌ای واقع است. بنای مذکور به لحاظ پلان، ساختار ظاهری، سبک معماری و نوع مصالح بطور کامل قابل مقایسه با برج‌مقبره‌های سمیران است. سفال‌های منطقه شماره ۱۱، از نوع لعاب‌دار مربوط به دوره سلجوقی هستند (شکل ۸).

### ۱۴. سفال‌های کانال سفالی بهرام‌آباد

شامل مسیر دیگری از تنبوشه‌های سفالی است که جهت انتقال آب چشمه ساری در ۳۰۰ متری شرق رودخانه

### ۱۵. سفال‌های منطقه شماره ۱۹

این مکان به ابعاد  $80 \times 55$  متر در غرب رودخانه و خمان شناسایی شده که به احتمال یک استقرار فصلی بوده است. از این منطقه، یک قطعه سفال لعاب‌دار ساده مربوط به دوره سلجوقی شناسایی شد (شکل ۸).

### ۱۶. سفال‌های منطقه شماره ۲۰

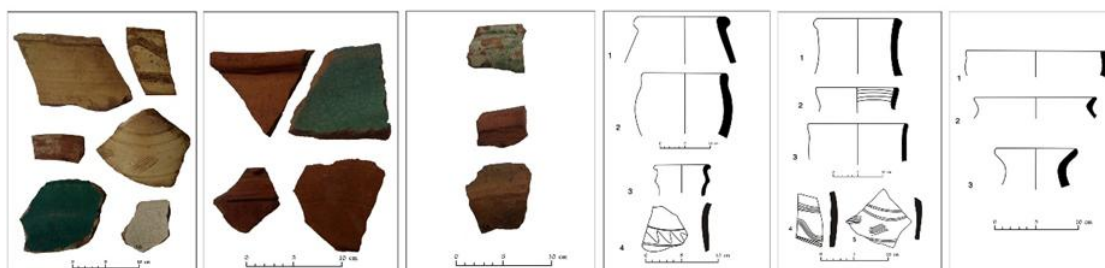
این منطقه شامل یک گورستان اسلامی است که در مرتفع‌ترین نقطه غرب و خمان قرار دارد. سفال‌ها از نوع ساده یا لعاب‌دار دارای نقش افزوده مربوط به دوره سلجوقی هستند (شکل ۹).

### ۱۷. سفال‌های منطقه شماره ۲۱

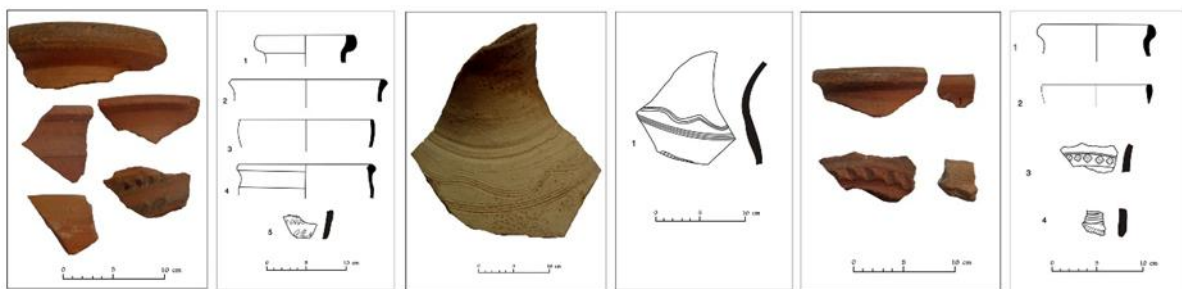
این منطقه شامل شماری فضای معماری و دو زاغه دست‌کند در ارتفاعات غربی و خمان است. سفال‌ها از نوع لعاب‌دار دارای تزئین کنده و نقاشی زیر لعاب مربوط به دوره سلجوقی هستند (شکل ۹).

### ۱۸. سفال‌های منطقه شماره ۲۳

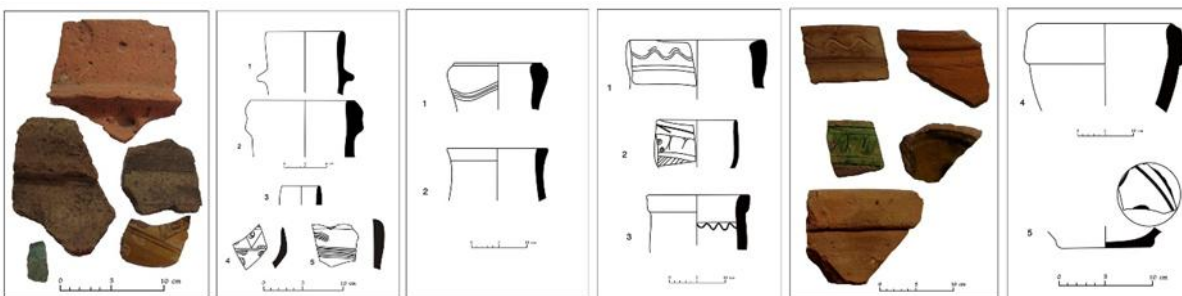
منطقه ۲۳ در منطقه رزک و ارتفاعات شرقی رودخانه و خمان قرار دارد و شامل شماری فضای معماری کوچک و بزرگ است. سفال‌ها از نوع لعاب‌دار ساده و منقوش مربوط به دوره سلجوقی هستند (شکل ۹).



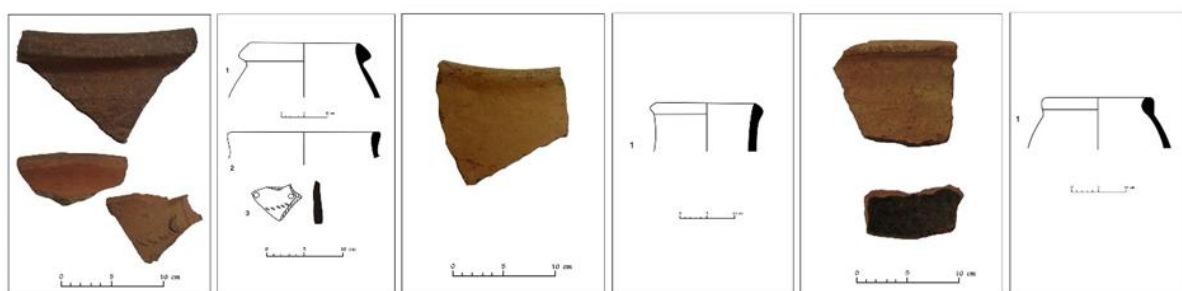
شکل ۵: از راست؛ طرح و عکس سفال‌های حصارهای تدافعی، امتداد راه‌های مالرو و کانال سفالی دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۱)



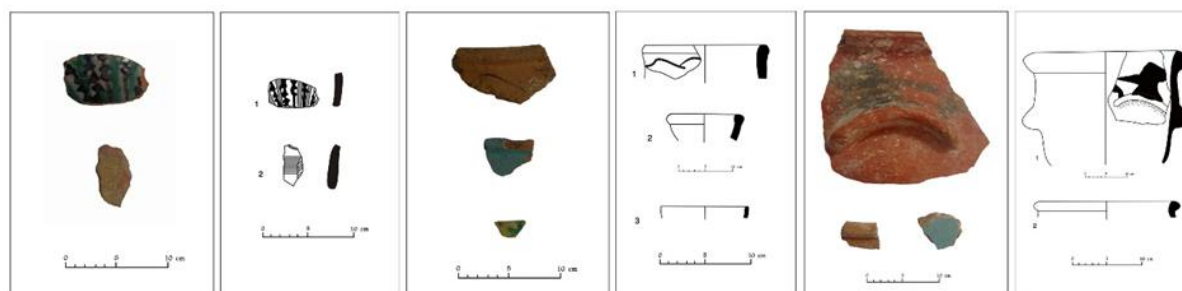
شکل ۶: از راست، طرح و عکس سفال‌های مکان شماره ۱، مکان شماره ۲، مکان شماره ۴، دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۱)



شکل ۷: طرح و عکس سفال‌های مکان شماره ۵، مکان شماره ۶، مکان شماره ۷، دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۱)



شکل ۸: طرح و عکس سفال‌های مکان شماره ۱۱، کانال سفالی بهرام‌آباد و مکان شماره ۱۹، دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۱)



شکل ۹: عکس و طرح سفال‌های مکان شماره ۲۰، مکان شماره ۲۱، مکان شماره ۲۳، دژشهر سمیران (نگارندگان، ۱۴۰۱).

## تحلیل

می‌توانسته از دیگر عوامل رشد سطح اقتصادی باشد؛ برای مثال می‌توان به بخشی از دوره‌ی سلجوقی و خوارزمشاهی اشاره نمود که به دلیل برقرار بودن امنیت و نظم داخلی، تجارت و بازرگانی مناسب و سطح اقتصادی مردم و حتی روستائینان بالا رفته، به‌گونه‌ای که حتی برخی از مردم

عواملی همچون امنیت و ثبات سیاسی در حکومت‌های مرکزی در قرون اولیه و میانی اسلام باعث رونق تجارت و بازرگانی گردید. همچنین وجود شرایط پایدار و یا نیمه پایدار آب و هوایی، عدم خشک‌سالی و مواردی از این قبیل نیز

تاریخ و تاریخی نیز همچنان مورد استفاده بوده است. برای مثال این احتمال مطرح است که ظروفی که در دوران پیش از تاریخ به شیوه‌ای خاص تزیین شده‌اند، به عنوان کالاهایی تجملی یا شأن‌زا برای استفاده افراد یا قشر خاصی از جامعه تولید می‌شده‌اند (عباس‌نژاد سرستی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۷۹). اما در دوران اسلامی به دلیل منع مذهبی استفاده از ظروف گران‌بهای فلزی، سفال‌های پرکار تجملی و نفیس جایگزین ظروف طلایی و نقره‌ای شد (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۷۳۴).

باتوجه به شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود، مراکز عمده تولید سفال‌هایی با کیفیت و تجملی مشخص است. بر این اساس، شهرهایی چون ری، کاشان، جرجان و ساوه از مراکز عمده تولید سفال زرین‌فام و شهر ورامین یک مرکز مهم تولید سفال آبی و سفید در قرون میانی دوره اسلامی به شمار می‌رفته است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۷۶-۲۷۴ و ۲۸۳-۲۸۲). ظروف سلادن نیز بیشتر از چین وارد ایران می‌شد که البته در مراکزی چون کرمان نیز این نوع سفال به تقلید از نمونه‌های چینی ساخته می‌شد (همان، ۲۸۶). اما ظروف کوباچه احتمالاً در نواحی شمال غربی ایران (آذربایجان) تولید (همان، ۲۸۴) می‌شد و بنابراین بعید نیست از همین ناحیه به سمیران وارد شده باشد.

طبقه متوسط سمیران که جمعیت قابل توجه شهر را تشکیل می‌داد، به طیف وسیعی از سفال‌ها دسترسی داشته‌اند. در مجموع بررسی ویژگی‌های سفال‌های دژشهر سمیران حاکی از این است که سه طبقه مرفه، متوسط و کم بضاعت که بافت جامعه سمیران در قرون میانی دوران اسلامی را تشکیل می‌دادند.

### نتیجه‌گیری

دژشهر سمیران یکی از مناطق ویژه استقرار در منطقه شمال ایران است که به لحاظ جغرافیایی می‌توانسته کنترل بیشتری برای محافظت از شهر ایجاد نماید. همچنین وجود رودخانه دائمی قزل‌اوزن در این محل، از عمده دلایل انتخاب این ناحیه برای انتخاب و شکل‌گیری این شهر می‌باشد.

روستانشین نیز توانایی تهیه کالاهای پر هزینه‌تر را داشته‌اند. از این رو است که در این دوران، شاهد تولید بسیار گسترده‌ی ظروف سفالین لعابدار با کیفیت در حجم زیاد هستیم. این مسأله را به سادگی و طی بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های بزرگ و کوچک این دوره، در یک یا چند منطقه، می‌توان اثبات نمود. در بررسی سفال‌های محوطه‌های شهرستان زرنديه تعداد ۲۲ محوطه‌ی نسبتاً بزرگ و حتی بسیار کوچک شناسایی شد که از سفال‌های خمیره‌فیریتی تک‌رنگ استفاده می‌کرده‌اند (بحرانی‌پور، ۱۴۰۰). بنابراین، ممکن است بتوان با طبقه‌بندی سفال‌های اسلامی یک منطقه از لحاظ دوره‌ی زمانی و سپس طبقه‌بندی هر دوره بر اساس سطح تکنولوژی، سطح اقتصادی مردمان ساکن در آن منطقه را، در طول دوران مختلف اسلامی سنجید. متون و مدارک تاریخی از جمله گزارش مورخان و جهانگردان مسلمان، همچنین شواهد باستان‌شناسی موجود از قبیل ابنیه و بافت‌های مسکونی برجای مانده، گویای رونق دژ-شهر سمیران در قرون نخستین و میانی دوران اسلامی و اهمیت این مکان در حوزه شمال ایران است. در بررسی سطحی محوطه سمیران، سفال‌های گردآوری شده بر اساس کیفیت ساخت تقسیم شدند. به نظر می‌رسد با توجه به کیفیت پخت مناسب و تزیینات بکار رفته در برخی از سفال‌های لعابدار شناسایی شده در دژشهر سمیران، این ظروف در اختیار طبقه اجتماعی خاصی بوده که معرف ساختار اجتماعی اقتصادی دژشهر سمیران در دوران آبادانی خواهد بود. پژوهشگران معتقدند، طبقات را ترتیبات اقتصادی درون جامعه پدید می‌آورد (بردلی، ۱۳۸۶: ۵۰) و امور اقتصادی نیز مستقل از امور اجتماعی - نهادی یا امور فنی نیستند و البته این ساختار طبقاتی جامعه است که هم به لحاظ سیاسی و هم اجتماعی بر چگونگی انعکاس بحران‌های اقتصادی در هنرها تأثیر می‌گذارند (رامین، ۱۳۸۷: ۵۱۴). البته ارتباط دادن نوع خاصی از سفال منحصر به جامعه سمیران نیست و بررسی پیشینه رواج سفال‌های تجملی نشان می‌دهد که این نوع سفال که اغلب توسط قشر مرفه و بالای جامعه استفاده می‌شد، در دوره‌های مختلف پیش از



قرن‌های چهارم تا هشتم هجری قمری باشند. پراکنش سفال‌های دوران سلجوقی و ایلخانی در بخش وسیعی از مجموعه مذکور حاکی از این حقیقت است که مجموعه سمیران در قرون میانی اسلامی، به لحاظ وسعت، گسترش قابل توجهی داشته است. با این حال وجود سفال‌های شاخص اما کم‌شمار عصر تیموری و صفوی از قبیل سفال‌های کوباچه، سالدن و آبی و سفید در بخش مرکزی دژسمیران نشان می‌دهد که برخلاف سکوت منابع تاریخی، مجموعه مذکور، دست کم بخش مرکزی استحکامات آن، همچنان تا دوره صفوی اهمیت خود را حفظ کرده است. در مجموع، شواهد باستان‌شناسی موجود از قبیل ابنیه و بافت‌های مسکونی برجای مانده، در کنار مجموعه متنوعی از سفال‌های گردآوری شده از بررسی سطحی، گویای رونق دژشهر سمیران، به‌ویژه در قرون نخستین و میانی دوران اسلامی و اهمیت این مکان در حوزه شمال ایران است. این موضوع با گواهی‌های متون تاریخی، بخصوص اشارات متون و مدارک تاریخی از جمله گزارش مورخان و جهان‌گردان، مطابقت دارد. هرچند شواهد باستان‌شناسی موجود حاکی از حفظ اهمیت استحکامات سمیران در دوره‌های تیموری و صفوی است، اما به نظر می‌رسد که شهر سمیران در این دوران از گذشته باشکوه و آباد خود فاصله گرفته و پس از آن نیز به تدریج فرسوده و متروکه شده و در قرون اخیر در غبار فراموشی فرورفته است.

### پی‌نوشت

دژ سمیران در سال ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۸۴۵۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

### منابع

ابودلف، (۱۳۴۲). سفرنامه ابودلف در ایران. مترجم، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی. ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷). مرآة البلدان. تصحیح عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.

در این پژوهش انجام شده توسط نگارندگان، سفال‌های ۱۸ منطقه در دژشهر سمیران، مورد گردآوری و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بطورکلی، سفال‌های مجموعه سمیران به دو گروه کلی سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار تقسیم‌بندی می‌شود. سفال‌های معمولی که از نقاط و مکان‌های مختلف مجموعه سمیران به دست آمده و بیشترین درصد سفال‌های مجموعه را تشکیل می‌دهند، عمدتاً از نوع لعاب‌دار ساده یا دارای انواع تزئین‌کننده، افزوده و نقاشی زیر لعاب بوده و بیشتر مربوط به دوره‌های سلجوقی و ایلخانی هستند. سفال‌های بدون لعاب مجموعه مذکور، اغلب دارای خمیره رسی یا فیریتی، شبه چینی و چینی بوده و نمونه‌های لعاب‌دار نیز عمدتاً دارای مقدار اندکی رس هستند. تزئینات روی سفال‌ها نیز طیفی از نقوش هندسی، اسلیمی را در بر می‌گیرد. سفال‌ها با پخت کافی، نشانگر مهارت سفالگر در پخت و میزان کنترل حرارت کوره بوده است.

مقایسه سفالینه‌های مجموعه سمیران با سفال‌های دیگر مناطق همجوار، نشان می‌دهد که سفال‌های شاخص گردآوری شده از نظر تنوع، روش‌های تزئین و کیفیت نقوش به ویژه تزئینات رنگی آنها، پرکار بوده و با دیگر مراکز سفالگری ایران برابری کرده است. مطالعات تطبیقی سفال‌های دوران اسلامی در سمیران حاکی از این است که در مجموعه مذکور علاوه بر بهره‌گیری از تجارب و تولیدات بومی و محلی، ارتباطات و تعاملات قابل توجهی نیز با مناطق همجوار وجود داشته است، از جمله سفال‌های آبی و سفید دژسمیران از نوع نمونه‌های مشابه شهری، سفال‌های زرین‌فام مجموعه مذکور با سفال‌های ناحیه کاشان و سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار آن نیز با انواع مشابه در آق‌کند زنجان قابل مقایسه است. وجود سفال‌های نفیس زرین‌فام در این مکان نشان‌دهنده وجود تخصص‌گرایی در سفالگری و مهارت سفال‌گران در تزئین سفالینه‌ها با شیوه تزئین روی لعاب و شیوه‌های پرکار تزئین در زیر لعاب دارد.

به لحاظ آماری، بیشتر سفال‌های مجموعه مذکور مربوط به قرون اولیه تا میانی دوران اسلامی، به‌ویژه

- البغدادی، ابن عبدالحق، صفی‌الدین عبدالمومن (۱۴۱۲ هـ.ق). مراصد الإطلاع على أسماء الأمكنة و البقاع. مصحح: بجاوی، علی محمد، بیروت: دار الجیل.
- آلن، جیمز ویلسن (۱۳۸۳). سفالگری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه انتشارات هنر اسلامی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۵۸). تذکره جغرافیای تاریخی ایران. مترجم حمزه سردادور، تهران: انتشارات توس.
- بحرانی پور، حنان و خانم‌رادی، مژگان (۱۴۰۰). بررسی تغییرات فرهنگی منطقه زندیه از دوره مس و سنگ تا دوران اسلامی، بر اساس نتایج بررسی باستان‌شناختی. مطالعات باستان‌شناسی ایران، ۱۳(۱).
- بردلی، هریث (۱۳۸۶). دگرگونی ساختارهای اجتماعی، طبقه و جنسیت. ترجمه محمود متحد، تهران: انتشارات آگه.
- پوپ، آرتور (۱۳۷۸). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. جلد چهارم: سفالگری، خوشنویسی و کتیبه‌نگاری، ترجمه فاطمه کریمی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۸۴). دیلمیان در گستره تاریخ ایران. تهران: انتشارات سمت.
- توحیدی، فائق (۱۳۷۹). فن و هنر سفالگری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جهانی، ولی (۱۳۸۲). گزارش مقدماتی گمانه زنی محوطه تاریخی خوری هفت سو دغان. گزارش‌های باستان‌شناسی ۲، میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران.
- حسن، زکی محمد (۱۳۷۷). هنر ایران در روزگار اسلامی. ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران: صدای معاصر.
- حموی، یاقوت‌بن عبد الله (۱۳۸۰). معجم البلدان. ترجمه علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
- رامین، علی (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی هنر. تهران: انتشارات نی.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۲). قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز. تهران: انتشارات طهوری.
- ضیاء‌آبادی، آرش (۱۴۰۱). دژ سمیران پایتخت حکمرانان محلی دیلمیان در طارم (آل مسافر، ۳۳۰ ه.ق). اثر، دوره ۴۳، شماره ۴، صص ۷۱۰-۷۰۰.
- عباس‌نژاد سرستی، رحمت، علی‌محمدی، مرضیه، قمری فتیده، محمد (۱۳۹۹). تحلیل سازمان تولید و استانداردسازی در یک جامعه باستانی: رهیافتی به نقش-های سفال‌های تل باکون الف. جامعه‌شناسی تاریخی، ۱۲(۲)، ۳۶۵-۳۸۸.
- عربانی، اصلاح (۱۳۷۴). کتاب گیلان (۱). تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران.
- فراهانی، محمدحسین بن‌مهدی (۱۳۶۲). سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی. مصحح مسعود گلزاری. تهران: فردوسی.
- کرمر، جوئل (۱۳۷۵). احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کسروی، احمد (۱۳۵۳). شهریاران گمنام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلج، محمدرضا و ذوالفقار کشاورز (۱۳۹۸). کاوش فضای موسوم به چهارطاقی در مجموعه سمیران. آرشیو اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی استان قزوین، (منتشر نشده).
- کریمی، فاطمه، محمد یوسف کیانی (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چ اول.
- لاهیجی، محمد مهدوی (۱۳۹۵). جغرافیای گیلان. انتشارات حوزه هنری گیلان.

نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۶). مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).  
 نیک‌خواه، هانیه، خزایی، محمد، حاتم، غلامعلی، نیستانی، جواد (۱۳۹۰). بازتاب شکل‌گیری دو پدیده اجتماعی بر سفال‌های زرین‌فام دوره سلجوقیان؛ پیدایش طبقه متوسط و مردمی شدن هنر. مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، ۳(۹)، ۱۲۵-۱۰۷.

ویلی، پیتر (۱۳۷۴). قلاع حشاشین. ترجمه و حواشی علی‌محمد ساکی. تهران: انتشارات علمی.

Danti, M. D. (2004). *The Ilkhanid heartland: Hasanlu Tepe (Iran) period I* (Vol. 2). University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology.

Golombek, L. (1999). The mystery of Kubachi wares. In C. Melville (Ed.), *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies* (pp. 407-417). Wiesbaden.

Hillenbrand, R. (1974). *The tomb towers of Iran to 1550*. Oxford: University of Oxford Press.

Keall, E. J., & Keall, M. (1981). The Qaleh Yazdigird pottery: A statistical approach. *Iran*, 19, 145-160.

Kleiss, W. (1970). *Bericht über Erkundungsfahrten im Iran im Jahre*. Berlin: Reimer.

Matthews, R. (2003). *The archaeology of Mesopotamia*. London: Routledge.

Rawlinson, M. (1839). Notes on a march from Zohab, at the foot of Zagros, along the mountains to Khuzistan (Susiana), and from thence through the province of Luristan to Kirmanshah, in the year 1836. *Journal of the Royal Geographical Society of London*, 9, 2-116.

Treptow, T. (2007). *Daily life ornamented* (Oriental Institute Publications No. 26). Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.

Watson, O. (1985). *Persian lustre ware*. London: Faber and Faber.

طارمیان ح (۱۳۸۷). بررسی باستان‌شناختی محوطه‌های باستانی بخش غربی طارم سفلی قزوین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).

عالی، ابوالفضل (۱۳۸۳). گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوزه آبریز ابهررود (شهرستان ابهر و خرمد). سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان زنجان.

عالی، ابوالفضل (۱۳۸۴). گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوزه آبریز ابهررود (شهرستان ابهر و خرمد). سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان زنجان.

مرعشی، میرسیدظهیرالدین بن نصیرالدین (۱۳۴۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.

مستوفی، حمدالله قزوینی (۱۳۶۲). نزهة القلوب. به اهتمام گای لیسترنج، تهران: دنیای کتاب.

موافقی، امیر، چوپان دستجردی، محمدحسین، رکرك، بهروز، یاحقی، عفت، نگهدارزاده، عیسی، کشاورزخانی، ذوالفقار، ضیاءآبادی، آرش (۱۳۹۶). روش نوترون رادیوگرافی برای تشخیص نقوش و آسیب‌های کوزه باستانی سمیران در راکتور تحقیقاتی تهران. تابش و فناوری هسته‌ای، ۴(۴)، ۳۰-۲۲.

موسوی، سید مهدی، رحمت عباس نژاد و محمود حیدریان (۱۳۸۶). گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناختی در تپه کلار کلاردشت (فصل اول، ۱۳۸۵). مجموعه مقاله‌های نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران.

نادری، بقراط (۱۳۵۹). نگاهی گذرا بر گیلان و آثار تاریخی آن قلعه شمیران. مجله اثر، شماره پیاپی ۲، ۳، ۴، تابستان، پاییز و زمستان، صص ۱۷۶-۱۸۴.

ناصرخسرو (۱۳۹۸). سفرنامه. ویرایش جعفر مدرس صادقی. تهران: نشر مرکز.